



## فصلنامه علمی پژوهشی آفاق فقهات

دوره سوم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴، ص ۵۷ تا ۷۴


تاریخچه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۰۲



# سنجش رویکردهای فقهی نسبت به «التی هی احسن» و تبیین اثر آن بر حقوق و معاملات مالی یتیم

رضا یامچی  دانشجوی دکتری تخصصی دانشگاه فردوسی مشهد

cheraghi.mohammad77@gmail.com

میثم شعیب | گروه فقه، دانشکده الهیات، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

آیه شریفه «و لا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»، معیار بنیادین جواز تصرف در اموال یتیم را تعیین می‌کند؛ اما تفسیر دقیق عبارت «التی هی احسن» و مصادیق عملی آن، همواره از مسائل اختلافی و چالش‌برانگیز در فقه اسلامی بوده است. هدف اصلی این پژوهش، ارائه تبیینی روشن از این معیار فقهی و ارزیابی انتقادی سه رویکرد اصلی فقهی در این زمینه، شامل اصلحیت مطلقه، حُسن متعارف (و وجود مصلحت) و کفایت عدم مفسده است. این تحقیق با استفاده از روش تحلیلی - انتقادی و باتکیه بر تحلیل محتوایی متون معتبر فقهی و تفسیری، به بررسی و مقایسه مبانی، ادله و پیامدهای هر یک از این دیدگاه‌ها پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رویکرد مبتنی بر حسن متعارف و لزوم احراز مصلحت و واقعی و همه‌جانبه یتیم از اتقان و قابلیت انطباق بیشتری با مقاصد شارع و سیره عقلاء برخوردار است. این رویکرد، با تفسیر احسن به معنای حَسَن یا کمال و صف، حفظ و تمیبه مال یتیم را بهتر تأمین کرده و از چالش‌های اجرایی رویکردهای دیگر دور است. این معیار مستلزم احراز مصلحت عقلایی، مشروع و همه‌جانبه برای یتیم است که نیازمند دقت و نظر کارشناسی است و پیامدهای مهمی بر حدود اختیارات متولی و نظارت قضایی دارد.

کلیدواژه: اموال یتیم، اصلحیت مطلقه، حسن متعارف، عدم مفسده، هی احسن.

## ۱. مقدمه

## ۱-۱. تبیین مسئله و ضرورت پژوهش

در منظومه تعالیم اسلامی، یتیم و حقوق او، به‌ویژه در حوزه صیانت از اموال و دارایی‌هایش، از جایگاهی رفیع و مورد تأکید و ویژه برخوردار است. قرآن کریم در آیات متعددی، از جمله آیه شریفه (و لا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ) (انعام: ۱۵۲؛ اسراء: ۳۴)، هرگونه تصرف در مال یتیم را مگر به نیکوترین شیوه ممکن، ممنوع اعلام کرده این جواز مشروط را نیز تا رسیدن یتیم به مرحله «بلوغ اشد» یعنی توانایی جسمی و عقلی برای اداره امور خویش، محدود ساخته است. این دستور صریح الهی، نشان‌دهنده حساسیت فوق‌العاده شارع مقدس نسبت به حفظ و حراست از حقوق مالی ایتام و پیشگیری از هرگونه تضییع یا سوءاستفاده از آن است. اهمیت این موضوع در سنت نبوی نیز با تأکیدات فراوان بر پاداش عظیم برای سرپرستان نیکوکار ایتام و وعید شدید برای متجاوزان به حقوق آنان، مکرراً بیان شده است. چنان‌که شیخ طوسی در کتاب امالی از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌کند: «مَنْ عَالَ يَتِيمًا حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ، أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ بِذَلِكَ الْجَنَّةَ، كَمَا أَوْجَبَ لِأَكْلِ مَالِ الْيَتِيمِ النَّارَ» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۱: ۵۲۲)؛ به این معنا که هر فردی یتیمی را تا رسیدن به رشد و بلوغ سرپرستی کند، خداوند بهشت را بر او واجب می‌سازد، همان‌گونه که آتش دوزخ را برای خورنده و تباہ‌کننده مال یتیم، حتمی گردانیده است.

علی‌رغم این دستورات و تأکیدات روشن، تعیین معیار دقیق و عملی برای «جواز تصرف» در اموال یتیم و تفسیر کاربردی عبارت قرآنی «التي هي أحسن»، همواره یکی از مباحث چالش‌برانگیز و محل تأمل در فقه اسلامی بوده است. این چالش از آنجا اهمیت می‌یابد که اولیاء، اوصیاء و در برخی موارد، نهادهای قضایی و حاکم شرع، به‌منظور حفظ، اداره و حتی رشد و نمو اموال یتیم، ناگزیر از انجام طیف وسیعی از تصرفات هستند؛ این تصرفات می‌تواند شامل نگهداری اموال منقول و غیر منقول، سرمایه‌گذاری‌های مولد، اجاره‌دادن املاک، فروش اموال کم‌بازده و تبدیل آن به احسن، یا حتی برداشت از اموال برای تأمین هزینه‌های ضروری و متعارف یتیم باشد. پرسش بنیادین این است که کدام‌یک از این اقدامات و تحت چه ضوابط و معیارهایی، می‌تواند مصداق «التي هي أحسن» تلقی شده از حیطة نهی الهی خارج گردد. اهمیت عملی این بحث از آن روست که عملکرد متولیان امور ایتام در نتیجه، سرنوشت دارایی‌های آنان، مستقیماً به پاسخ این پرسش و وابسته است. از منظر نظری نیز، این موضوع به دلیل پیوند عمیق با مبانی فقهی و لایت، مصلحت، غبطه و قواعد عمومی حاکم بر معاملات و تصرفات مالی، از اهمیت و ویژه‌ای برخوردار است.

ابهام یا اختلاف دیدگاه در تفسیر و تطبیق «التي هي أحسن» که می‌تواند ناشی از تفاوت در استظهار از ظاهر آیه، نحوه جمع بین عمومات مخصصات روایی، یا تأکید بر جنبه‌های مختلف مقاصد شارع باشد، منجر به شکل‌گیری رویکردهای مختلف فقهی در این زمینه شده است. این پژوهش بر آن است تا با تحلیل عمیق و نظام‌مند ادله و دیدگاه‌های مطرح در متون غنی فقهی، سه رویکرد اصلی را در این خصوص مورد بررسی و واکاوی قرار دهد: نخست، رویکردی که بر لزوم احراز «اصلحیت مطلقه» تأکید می‌ورزد و معتقد است تصرف در مال یتیم تنها زمانی مجاز است که بهترین و سودمندترین گزینه ممکن از میان تمامی



گزینه‌های قابل تصور، انتخاب شود. دوم، رویکردی که «حُسن متعارف» و وجود مصلحت عقلایی و مشروع برای یتیم را در نفس تصرف کافی می‌داند، هرچند آن تصرف لزوماً برترین گزینه ممکن نباشد و سوم، رویکردی که «کفایت عدم مفسده» عدم ورود هرگونه ضرر و زیان به یتیم را به‌عنوان حداقل شرط لازم برای جواز تصرف در نظر می‌گیرد. بررسی دقیق مبانی، مستندات، ادله، چالش‌ها و پیامدهای هر یک از این رویکردها، هسته اصلی این تحقیق را تشکیل می‌دهد.

## ۲-۱. پیشینه تحقیق و وجه تمایز پژوهش حاضر

موضوع صیانت از اموال یتیم و ضوابط تصرف در آن، همواره از دغدغه‌های مهم فقها و مفسران بوده و آیه شریفه (وَلَا تُقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ) محور اصلی این مباحث را تشکیل داده است. بررسی متون تفسیری، اعم از متقدم و متأخر، نشان می‌دهد که مفسران در ذیل این آیه به تبیین کلی معنای «أحسن» پرداخته و آن را به اموری چون حفظ، اصلاح، تنمیه و سودآوری برای یتیم تفسیر کرده‌اند. کتب فقهی نیز در ابواب مربوط به «حجر»، «ولایت» و «وصیت»، به تفصیل به احکام یتیم و شرایط تصرف در اموال او پرداخته‌اند و فقها غالباً با استناد به این آیه و روایات، بر لزوم رعایت مصلحت و غبطه یتیم تأکید ورزیده‌اند. اما با وجود این مطالعات دقیق، بررسی پیشینه نشان می‌دهد که خلأ پژوهشی مشخصی در زمینه تحلیل انتقادی و مقایسه‌ای نظام مند سه رویکرد اصلی («اصلحیت مطلقه»، «حُسن متعارف و وجود مصلحت» و «کفایت عدم مفسده») در تفسیر معیار «التی هی احسن» وجود دارد و کمتر به ارزیابی تطبیقی ادله، چالش‌ها و پیامدهای عملی هر یک از این سه رویکرد با نگاهی کاربردی و نظام مند دست زده‌اند. وجه تمایز و نوآوری این تحقیق در تلاش برای ارائه یک چارچوب تحلیلی منسجم است که ابتدا به استخراج، دسته‌بندی و تبیین دقیق هر یک از این سه رویکرد با استناد به دیدگاه‌های فقها می‌پردازد و سپس با تحلیل انتقادی و مقایسه‌ای آن‌ها، به ارائه یک نظریه مختار با مبانی مستحکم‌تر و قابلیت اجرایی بیشتر نائل آید.

## ۳-۱. روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر با روش تحلیلی - انتقادی و بر پایه مطالعات کتابخانه‌ای، داده‌ها را از منابع اصیل فقهی و تفسیری گردآوری و محتوای آن‌ها را عمیقاً تحلیل می‌کند. در این فرایند، پس از توصیف و تبیین رویکردهای سه‌گانه (اصلحیت مطلقه، حُسن متعارف و کفایت عدم مفسده) در تفسیر معیار «التی هی احسن»، مبانی و ادله هر یک با ابزارهای اصول فقه، تفسیر و درایه ارزیابی انتقادی می‌شوند. سپس با مقایسه نظام مند آن‌ها، پاسخی مستدل به پرسش اصلی ارائه خواهد شد.

## ۲. چارچوب مفهومی: تحلیل «التی هی أحسن» و معیارهای سه‌گانه

### ۲-۱. واکاوی لغوی واصطلاحی «أحسن» و «حُسن» در متون فقهی

فهم دقیق عبارت کلیدی «إِلَّا بِالتِّي هِيَ أَحْسَنُ» در آیه شریفه، مستلزم و واکاوی و اژگان «أحسن» و «حُسن» از منظر لغوی و کاربرد اصطلاحی آن‌ها در ادبیات فقهی است. واژه «أحسن»، به‌عنوان صیغه افعال تفضیل از ماده «ح-س-ن»، در معنای اولیه خود بر «بهرتر» یا «نیکوتر» دلالت دارد و مقتضی برتری یک شیء یا یک فعل بر سایر اشیا یا افعال مشابه است. این معنا مستلزم وجود یک طرف دیگر برای مقایسه (مفضل علیه) و همچنین اشتراک طرفین در اصل «حُسن» است. با این حال، چنان‌که محقق اصفهانی (اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ۲: ۴۲۸-۴۲۹) و امام خمینی (خمینی، ۱۴۲۱ق، ۲: ۷۰۸) مطرح کرده‌اند، در استعمالات زبانی و به تبع آن در مباحث اصولی و فقهی، احتمال «انسلاخ» صیغه افعال تفضیل از معنای برتری جویانه و استفاده از آن صرفاً برای بیان «ثبوت اصل مبدأ» یا «کمال و صف» وجود دارد. در این حالت، «أحسن» می‌تواند مترادف «حُسن» (نیکو) یا «بسیار نیکو» به کار رود، بدون آنکه لزوماً بر «بهرترین بودن» در قیاس با همه گزینه‌های دیگر دلالت کند.

واژه «حُسن» که مصدر و ریشه «أحسن» است، به معنای عام نیکویی، زیبایی، شایستگی و پسندیدگی است. در ادبیات فقهی، هنگامی که از «حُسن» یک فعل یا تصرف سخن به میان می‌آید، غالباً این مفهوم در ارتباط تنگاتنگ با اصطلاحاتی چون «مصلحت» (آنچه صلاح و خیر در آن است)، «منفعت» (سود)، «غبطه» (نفع و صلاح بیشتر) و در نقطه مقابل آن، «قبح» با مفاهیمی چون «مفسده» (تباهی و فساد)، «ضرر» (زیان) و «سوء» (بدی) قرار می‌گیرد. بر این اساس، یک تصرف «حُسن» در مال یتیم، به تصرفی اطلاق می‌شود که متضمن نوعی مصلحت و منفعت برای او باشد و از هرگونه مفسده و ضرر عاری باشد، یا دست‌کم، منافع حاصل از آن بر مفسد احتمالی اش رجحان داشته باشد. تشخیص این «حُسن» و «مصلحت» نیز غالباً امری عقلایی و عرفی است که البته باید در چارچوب موازین شرعی صورت پذیرد. مقدس اردبیلی تصریح می‌کند که «التی هی أحسن» یعنی تصرفی که به‌حسب اقتضای عقل عقلاء، بهترین کاری است که می‌توان با مال یتیم انجام داد، مانند حفظ، تعمیر، تنمیه و تثمیر آن، یا بهتر از ترک آن باشد؛ در مجموع، آنچه عقل سلیم آن را نیکو و اولی از ترکش می‌یابد و مقتضای نظر اکثر عقلاست (اردبیلی، بی تا، ۱: ۳۹۴). این بیان به‌وضوح نشان می‌دهد که معیار «حُسن» با داور عقل سلیم و آنچه عقلاء در جهت صلاح و منفعت تشخیص می‌دهند، پیوند خورده است.

کاربرد این و اژگان در ابواب فقهی مرتبط با «ولایت» بر اموال، به‌ویژه اموال افراد محجور مانند ایتام و همچنین ارتباط آن با قواعد فقهی بنیادینی چون قاعده «لاضرر و لاضرار» (نراقی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۵۵۵-۵۵۶؛ مراغی، ۱۴۱۷ق، ۲: ۵۸۰)، در بحث جواز تصرف عدول در مال یتیم به استناد احسان و آیه شریفه) مورد اشاره قرار گرفته است، همگی بر اهمیت سنجش دقیق و همه‌جانبه منافع و مضار هرگونه تصرف و لزوم اقدام در چارچوبی تأکید دارند که بیشترین «مصلحت» و واقعی را برای شخص محجور، از جمله یتیم، به همراه داشته باشد. فقها در مباحث مختلف، مانند آنچه بحرانی مطرح کرده، بر لزوم رعایت «مصلحت و غبطه» برای یتیم در تصرفات مالی او تأکید کرده‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ۱۸: ۴۲۲) و صحت و جواز

تصرفات ولی یا ووصی را به تحقق این امر منوط دانسته‌اند. اینکه آیا این «مصلحت» باید به حد «اصلحیت مطلقه» برسد، یا «حُسن متعارف» و وجود منفعت نیز برای جواز کفایت می‌کند و یا حتی در شرایطی، صرف «عدم مفسده» می‌تواند مجوزی برای برخی تصرفات باشد، از مباحث کلیدی و چالش‌برانگیزی است که در ادامه این مقاله و در تحلیل رویکردهای سه‌گانه، به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۲-۲. تفسیر «التی هی احسن» در آیه شریفه (وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ...)

عبارت «إِلَّا بِالتَّيِّبِ هِيَ أَحْسَنُ» به‌عنوان یک قید استثنائی در آیه شریفه، نقش محوری و تعیین‌کننده‌ای در ترسیم محدوده و بیان ضوابط جواز تصرف در مال یتیم ایفا می‌کند. نهی از «قرب» به مال یتیم - که خود مفهوم «قرب» نیز در جای خود مورد بحث دقیق فقها قرار گرفته است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۳: ۵۷۴؛ اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ۲: ۴۲۲-۴۲۷) - یک نهی عام و با دامنه گسترده است که تنها با احراز شرط مذکور در این استثناء، یعنی انجام تصرف «به‌نحوی که آن نحو، احسن باشد»، از شمول منع خارج می‌شود. فقها و مفسران در تبیین دقیق مفاد این عبارت، مباحث ارزشمند و دقیقی را ارائه کرده‌اند.

یکی از نکات مورد توجه، مرجع ضمیر مؤنث «هِيَ» در عبارت «التَّيِّبِ هِيَ أَحْسَنُ» و همچنین ماهیت «التَّيِّبِ» به‌عنوان اسم موصول است. برخی از محققان، «التَّيِّبِ» را به معنای «الْخَصْلَةُ» (و ویژگی یا صفت)، «الطَّرِيقَةُ» (روش یا شیوه)، یا «الْكَفِيَّةُ» (چگونگی) تفسیر کرده‌اند که در این صورت، استثنا ناظر بر «وصف» یا «چگونگی» انجام تصرف خواهد بود. به‌عنوان نمونه، کاشف الغطاء «التَّيِّبِ» را به معنای خصلتی که احسن است، می‌داند (نجفی، بی تا، ۱: ۱۷۱). محقق اصفهانی نیز این احتمال را مطرح می‌سازد که استثنا در آیه، به لحاظ کیفیت‌های مختلف تصرف باشد، به این معنا که تصرف باید با کیفیتی صورت پذیرد که آن کیفیت، «احسن» از سایر کیفیت‌های ممکن باشد (اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ۲: ۴۲۷). همچنین، مقدس اردبیلی عبارت «إِلَّا بِالتَّيِّبِ هِيَ أَحْسَنُ» را به «انجام فعلی که بهترین کاری است که با مال او انجام می‌شود» تفسیر نموده است (اردبیلی، بی تا، ۱: ۳۹۴). این دیدگاه‌ها همگی بر این نکته اتفاق نظر دارند که صرف «اصل فعل تصرف» برای خروج از نهی کافی نیست، بلکه «چگونگی انجام آن فعل» و «وصف آن» نیز باید متصف به «احسن بودن» باشد.

نقش این قید استثنائی به‌عنوان ضابطه اصلی و محوری جواز تصرف در مال یتیم، امری مسلم و مورد اتفاق است. بدین معنا که هرگونه تصرفی که فاقد این وصف «احسن بودن» باشد، مشمول نهی عام آیه کریمه قرار گرفته و از منظر شرعی، ممنوع و غیرمجاز خواهد بود. اما اینکه مصداق دقیق این «احسن» چیست و چگونه در عالم خارج و در مقام عمل، این «احسن بودن» احراز و تشخیص داده می‌شود، دقیقاً همان نقطه‌ای است که منجر به شکل‌گیری رویکردها و دیدگاه‌های مختلف فقهی شده است و در ادامه این پژوهش به تفصیل به آن‌ها پرداخته خواهد شد. آیا «احسن» لزوماً به معنای انتخاب بهترین و برترین گزینه از میان تمامی گزینه‌های متصور (اصلحیت مطلقه) است، یا اینکه صرفاً نیکو بودن عرفی و داشتن مصلحت عقلایی (حُسن متعارف) برای جواز تصرف کفایت می‌کند و یا حتی در شرایطی خاص، عدم وجود مفسده و ضرر و زیان می‌تواند مصداقی

حداقلی از عمل به نحو احسن تلقی شود؟ پاسخ به این پرسش‌های بنیادین، جوهره اصلی بحث در تعیین معیار «التي هي أحسن» را تشکیل می‌دهد و راهگشای فهم دقیق‌تر و وظایف متولیان امور ایتم خواهد بود.

### ۲-۳. تبیین و تعریف عملیاتی معیارهای سه‌گانه

بر اساس تحلیل‌های لغوی و اصطلاحی پیش‌گفته و با عنایت به مباحث متنوع و دقیقی که در متون فقهی پیرامون تفسیر «التي هي أحسن» مطرح گردیده است، سه معیار یا رویکرد اصلی را می‌توان در این زمینه شناسایی و به‌منظور بررسی دقیق‌تر در این پژوهش، به‌صورت عملیاتی و متمایز از یکدیگر تعریف نمود.

#### ۱-۲-۳. معیار «اصلحیت مطلقه»

این معیار که عمدتاً بر تفسیر «أحسن» به معنای اتم و اکمل تفضیلی آن استوار است، بیانگر آن است که جواز تصرف در مال یتیم منوط به آن است که شخص متصرف (اعم از ولی وصی، یا حاکم شرع و منصوب از قبل او) پس از بررسی همه‌جانبه و سنجش دقیق تمامی گزینه‌های ممکن و قابل‌تصور (شامل انجام یک فعل معین یا ترک آن و ابقای مال بر حالت سابق)، آن گزینه‌ای را انتخاب و عملی نماید که به‌طور مطلق، بهترین، سودمندترین و دارای بیشترین منفعت و مصلحت برای یتیم باشد. در این دیدگاه، صرف و جود مصلحت یا عدم و جود مفسده در یک تصرف، برای جواز آن کافی نیست، بلکه باید «اصلحیت» و «افضلیت» آن تصرف نسبت به سایر گزینه‌های بدیل، به نحوی یقینی یا اطمینان‌آور احراز گردد. این نگرش در کلام شیخ انصاری که «الأحسن» را به «تفضیل مطلق... از ترک آن و از غیر آن از تصرفات» تفسیر می‌کند، به‌وضوح قابل‌مشاهده است (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۳: ۵۷۵).

#### ۲-۲-۳. معیار «حُسن متعارف»

این معیار، با اتکا به احتمال انسلاخ «أحسن» از معنای تفضیلی و حمل آن بر معنای و صفی (معادل «حَسَن» یا نیکوی قابل‌توجه) و یا با تأکید بر ضرورت و واقع‌گرایی، امکان‌پذیری عملی و هماهنگی با سیره متداول عقلاء در اداره اموال، بر این نکته اساسی تمرکز دارد که برای جواز تصرف در مال یتیم، کفایت و جود مصلحت و منفعت عقلایی، مشروع و متعارف در نفس آن تصرف، شرط لازم و کافی است، حتی اگر آن تصرف، لزوماً بهترین گزینه از میان تمامی گزینه‌های ممکن و متصور نباشد. در این رویکرد، آنچه اهمیت محوری دارد، آن است که تصرف موردنظر، به‌طور واضح و نفع و صلاح یتیم بوده و از منظر عرف خاص و متخصصان امور مالی (در موارد نیاز به تخصص) و همچنین از دیدگاه عموم عقلاء، اقدامی شایسته، نیکو و در جهت تأمین منافع و مصالح یتیم تلقی شود. این دیدگاه را می‌توان از کلام برخی از فقها که «أحسن» را به «الحسن» تفسیر کرده و التزام به «اصلحیت مطلقه» را به دلیل مخالفت با سیره قطعی مورد تردید قرار می‌دهد، استنباط نمود (مکارم شیرازی،



۱۴۲۲ق، ۱: ۵۸۱). همچنین، احتمال دوم مطرح شده در کلام محقق اصفهانی (اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ۲: ۴۲۸) و امام خمینی (خمینی، ۱۴۲۱ق، ۲: ۷۰۸) مبنی بر امکان اراده مجرد «حُسن» (به معنای وجود مصلحت) از واژه «أحسن»، مؤید این رویکرد است.

### ۳-۳-۲. معیار «کفایت عدم مفسده»

این معیار، به عنوان حداقلی ترین و سهل گیرانه ترین سطح احتمالی برای جواز تصرف در مال یتیم، مطرح می شود و بر این فرض استوار است که اگر انجام تصرفی در مال یتیم، هیچ گونه ضرر، زیان، یا مفسده ای (اعم از مادی یا معنوی) برای او در پی نداشته باشد، اقدام به آن جایز است، حتی اگر آن تصرف، منفعت خاص، جدید و قابل توجهی نیز برای یتیم به ارمغان نیاورد. این دیدگاه ممکن است از مفهوم مخالف برخی از روایات (مانند ذیل حسنه کاهلی از امام صادق (علیه السلام) که در آن آمده در صورت عدم ضرر، حتی بدون منفعت نیز، تصرف بلاشکال است) (به نقل از اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ۲: ۴۳۰، با اشاره به حسنه الکاهلی در متن شیخ انصاری، ۱۴۱۵ق، ۳: ۵۷۶) یا در شرایط اضطراری و به منظور دفع ضرر اقوی و مفسده بزرگتر (مانند فروش مالی که در شرف تلف شدن است، حتی اگر به قیمت کمتری باشد، برای جلوگیری از نابودی کامل آن)، قابل طرح و بررسی باشد. با این وجود، لازم به ذکر است که این رویکرد به عنوان یک قاعده عمومی و فراگیر، مورد نقد جدی و قابل تأمل بسیاری از فقها قرار گرفته است، چرا که با ظاهر واژه «أحسن» که حداقل بر نوعی مزیت، نیکویی یا منفعت دلالت دارد، سازگاری کمتری نشان می دهد و ممکن است با روح کلی اهتمام شارع به رشد و نمو اموال یتیم در تعارض باشد (اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ۲: ۴۲۹؛ انصاری، ۱۴۱۵ق، ۳: ۵۷۶).

### ۳. تحلیل رویکرد مبتنی بر اصلحیت مطلقه

رویکرد اصلحیت مطلقه یکی از تفاسیر بنیادین معیار قرآنی «إِلَّا بِالتَّيِّبِ هِيَ أَحْسَنُ» برای جواز تصرف در اموال یتیم است. این دیدگاه، با تأکید بر معنای تفضیلی واژه «أحسن»، متولی امور یتیم را مکلف می داند تا از میان تمامی گزینه های ممکن، آن را برگزیند که به طور مطلق و از هر جهت، بهترین، سودمندترین و دارای بیشترین مصلحت عینی برای یتیم باشد.

### ۳-۱. مبانی و ادله قرآنی و روایی

مهم ترین مستند این رویکرد، تمسک به ظهور اولیه و معنای لغوی «أحسن» در آیه (وَلَا تَقْرُبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ) (انعام: ۱۵۲؛ اسراء: ۳۴) است. قائلین معتقدند کاربرد صیغه أفعال تفضیل، بر لزوم انتخاب «نیکوترین» و «بهترین» شیوه تأکید دارد، نه صرف «حُسن» یا «مصلحت داشتن» تصرف. شیخ انصاری «أحسن» را به «تفضیل مطلق... از ترک آن و از

سایر تصرفات» تفسیر کرده و آن را قوی تر از سایر احتمالات می‌داند (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۳: ۵۷۵). محقق اصفهانی نیز احسن بودن تصرف هم نسبت به ترک آن و هم نسبت به سایر انواع تصرفات را به‌عنوان «الأحسن بقول مطلق» مراد می‌داند (اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ۲: ۴۲۷). استدلال دیگر آن است که حذف متعلق اسم تفضیل (مفضلٌ علیه) در آیه، افاده عموم کرده و مراد از «أحسن»، «الأحسن علی اطلاقه» خواهد بود (طباطبایی قمی، ۱۴۰۰ق، ۳: ۱۴۶).

هرچند روایتی با تصریح به «اصلحیت مطلقه» وجود ندارد، اما از روح کلی برخی روایات و تأکیدات شارع بر حفظ دقیق اموال ایتم و رعایت احتیاط، مؤیدی برای این نگرش سخت‌گیرانه استنتاج می‌شود. روایت نبوی در مورد عقوبت تباه‌کردن مال یتیم (طوسی، ۱۴۱۴ق، ۱: ۵۲۲)، حساسیت شارع را نشان می‌دهد که مقتضی انتخاب گزینه‌ای با بیشترین نفع و کمترین ریسک برای یتیم است. تأکید بر «اصلاح» اموال یتیم (نراقی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۵۵۵-۵۵۶) و تصرف «فیما یراه حظاً و صلاحاً» (نراقی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۵۵۸) نیز می‌تواند به لزوم تشخیص بهترین گزینه تفسیر شود.

### ۲-۳. دیدگاه‌های فقهی و استدلالات مؤید

شیخ انصاری با مثالی لوازم این دیدگاه را تبیین می‌کند: اگر پس از فروش مال یتیم (که مصلحت بوده) ولی بخواهد بدون تفاوت برای یتیم، آن را به مال دیگری تبدیل کند، جایز نیست، زیرا این تصرف جدید «اصلاح» از ترک آن نیست (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۳: ۵۷۵). این نشان می‌دهد هر تصرف جدید باید نسبت به وضعیت موجود نیز «اصلاح» باشد. محقق اصفهانی نیز معتقد است اگر «أحسن» به معنای تفضیلی و «قرب» به معنای مطلق امر اختیاری تفسیر شود، فروش مال یتیم جز در صورتی که از تمامی تصرفات دیگر، حتی ابقای آن، «أحسن» باشد، جایز نیست و این را صحیح می‌داند (اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ۲: ۴۲۸).

در پاسخ به اشکال عدم تناهی اصلحیت، برخی بیان کرده‌اند آنچه از اصلحیت معتبر است، متناهی است و نامتناهی آن معتبر نیست (لاری، ۱۴۱۸ق، ۲: ۱۶۴)، که اصل اعتبار «اصلحیت» را مفروض می‌گیرد. صاحب جواهر نیز با تأکید بر اینکه «هرچه از غیر خود احسن باشد، در امر مال یتیم انتخاب می‌شود»، تصریح می‌کند که «اگر تصرف از ترک آن احسن باشد، آن تصرف و واجب است» (نجفی، بی‌تا، ۱: ۱۷۱)، که اهمیت فوق‌العاده این معیار را نشان می‌دهد. این دیدگاه‌ها تمایل به «اصلحیت مطلقه» یا پذیرش آن به‌عنوان اصل اولیه و مقتضای احتیاط را در کلام برخی فقها نشان می‌دهد.

### ۳-۳. چالش‌های نظری و عملی این رویکرد

رویکرد «اصلحیت مطلقه» با چالش‌های جدی مواجه است از جمله اساسی‌ترین چالش، دشواری یا عدم امکان تشخیص و احراز قطعی «اصلحیت مطلقه» در عالم خارج است. نوسانات بازار و پیچیدگی پیش‌بینی آینده، تعیین تصرفی که بیشترین نفع بلندمدت را دارد، گاه خارج از توان بشری است. محقق اصفهانی اشاره می‌کند که اگر گزینه‌ها از نظر مصلحت مساوی باشند یا در گزینه‌های بدیل مصلحتی نباشد، «تفضیل» و «أحسن بودن» موضوعیت ندارد (اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ۲: ۴۲۹). امام



خمینی نیز اشکال می‌کند که اگر مراد، احسن از هر چیزی باشد، در صورت تساوی تصرفات یا نبود حُسن در برخی، به دلیل عدم صدق «تفضیل»، جواز تصرف منتفی می‌شود (خمینی، ۱۴۲۱ق، ۲: ۷۰۹). این صعوبت می‌تواند منجر به انفعال و لی و تضييع منافع یتیم گردد.

چالش دیگر آنکه اگر چند گزینه از حیث مصلحت برابر باشند، انتخاب یکی به‌عنوان «أحسن مطلق» بی‌معناست. خودداری از هر تصرفی نیز با فلسفه ولایت و لزوم اداره و رشد اموال یتیم در تعارض است. مفهوم «جامع التصرف» که «أحسن من غیره» باشد و مصادیق متساوی ذیل آن قرار گیرند، به‌عنوان راه‌حل مطرح شده (طباطبایی قمی، ۱۴۰۰ق، ۳: ۱۴۷)، اما این پاسخ نیز ممکن است همیشه کارساز نباشد.

چالش دیگر آنکه التزام دقیق به «اصلحیت مطلقه» می‌تواند منجر به وسواس و احتیاط بیش از حد شود. نتیجه، خودداری از معاملات و سرمایه‌گذاری‌های متعارفی است که هرچند «بهترین گزینه مطلق» نیستند، اما «مصلحت قابل توجه و عقلایی» دارند. ترک آنها به بهانه عدم احراز اصلحیت مطلقه، به رکود و کاهش ارزش اموال یتیم می‌انجامد و التزام به اصلحیت (به معنای مطلق) گاه با سیره قطعی در تعارض است و مورد تردید قرار می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ق، ۱: ۵۸۱).

این چالش‌ها نشان می‌دهد رویکرد «اصلحیت مطلقه»، با وجود هدف و الای احتیاط، در اجرا با دشواری‌های قابل توجهی روبروست و نیازمند بررسی دقیق‌تر، ارائه راه‌حل برای موارد استثنا، یا تعدیل در چارچوب سایر ادله و مقاصد شرعی است.

#### ۴. تحلیل رویکرد مبتنی بر حُسن متعارف (أحسن به معنای وصفی و وجود مصلحت)

در مقابل رویکرد اصلحیت مطلقه با تفسیر سخت‌گیرانه‌اش از «أحسن»، دیدگاه دیگری بر کفایت حُسن متعارف و لزوم احراز مصلحت برای یتیم در نفس تصرف تأکید می‌ورزد. این رویکرد، با ارائه تفسیری واقع‌بینانه‌تر و منطبق‌تر با شرایط عملی، معتقد است اگر تصرفی به طور و واضح و بر اساس موازین عقلایی به نفع و صلاح یتیم بوده و متضمن مصلحتی مشروع و قابل اعتنا باشد، هرچند لزوماً بهترین گزینه مطلق نباشد، می‌تواند مصداق «التی هی احسن» و شرعاً مجاز و نافذ باشد.

#### ۴-۱. مبانی و ادله قرآنی و روایی

یکی از مبانی اساسی این رویکرد، توجه به کاربردهای متنوع صیغه «أفعل تفضیل» در متون دینی و ادبی است. طرف‌داران این دیدگاه معتقدند این صیغه همواره بر برتری مطلق (تفضیل تام) دلالت نمی‌کند، بلکه در بسیاری موارد، صرفاً برای بیان «ثبوت اصل مبدأ و صف» یا نشان‌دادن کمال و صف و درجه بالای آن به کار می‌رود، بدون آنکه لزوماً مقایسه‌ای در کار باشد؛ بنابراین، «أحسن» در آیه می‌تواند به معنای «حَسَن» (نیکو و شایسته) یا «دارای حُسن کامل و قابل توجه» باشد، نه منحصرراً «نیکوتر از همه گزینه‌های ممکن». این احتمال و گستردگی کاربرد أفعل تفضیل در غیر معنای تفضیلی، در متون

فقهی و اصولی مورد اشاره قرار گرفته، چنان‌که محقق اصفهانی استعمال آن در غیر معنای تفضیلی را «فوق حد الإحصاء» می‌داند (اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ۲: ۴۲۸). امام خمینی نیز احتمال اراده «مجرد الحسن» از «أحسن» را مطرح کرده است (خمینی، ۱۴۲۱ق، ۲: ۷۰۸). براین اساس، «التي هي أحسن» به «تصرفی که فی نفسه نیکو، شایسته و دارای مصلحت برای یتیم است» تفسیر شده و راه برای پذیرش حُسن متعارف هموار می‌شود.

دلیل دیگر، استناد به روایاتی است که جواز تصرف در مال یتیم را به وجود منفعت برای او منوط کرده‌اند، بدون تصریح به قید بهترین بودن یا اصلحیت مطلقه. از جمله حسنه الکاهلی است که امام صادق (ع) در پاسخ به سؤالی درباره ورود به خانه ایتام و استفاده از امکاناتشان، می‌فرماید: «اگر در ورود شما بر ایشان منفعتی برای آنها باشد، اشکالی ندارد و اگر ضرری در آن باشد، پس نه...» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۳: ۵۷۶). هرچند این روایت مستقیماً در مورد تصرفات مالی و لّی نیست و استدلال از آن برای کفایت صرف عدم مفسده با نقدهای جدی مواجه شده (اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ۲: ۴۳۰؛ طباطبایی قمی، ۱۴۰۰ق، ۳: ۱۴۹-۱۵۱)، اما حداقل اهمیت و وجود منفعت برای یتیم را به‌عنوان شرط جواز می‌توان استنباط کرد. اگر احراز منفعت برای جواز امر تبعی کافی باشد، به‌طریق اولی برای تصرفات اصلی باهدف اداره و رشد مال یتیم، ملاک قرار می‌گیرد، مشروط بر متعارف، عقلایی و قابل توجه بودن منفعت.

روایت ابن مغیره درباره هدیه‌دادن به دختر یتیم و جبران آن از مال دیگر که امام (ع) با «لا بأس» آن را تجویز می‌کنند، نیز مؤید دیگری است؛ ظاهر سؤال و جواب بر لزوم برابری عوض و عدم ضرر به یتیم دلالت دارد و سخنی از لزوم بهتر بودن این اقدام نیست (اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ۲: ۴۳۰-۴۳۱). از این روایات می‌توان استنباط کرد که شارع بر وجود مصلحت و منفعت متعارف تأکید داشته و سخت‌گیری در حد احراز اصلحیت مطلقه را به‌عنوان شرط همیشگی در نظر نگرفته است.

## ۲-۴. دیدگاه‌های فقهی و استدلال‌ات ایشان

بسیاری از فقهای امامیه به رویکرد حُسن متعارف و کفایت احراز مصلحت‌گرایش دارند. آیت‌الله مکارم شیرازی، پس از بررسی احتمالات معنایی «قرب» و «أحسن»، بیان می‌کند که التزام به «اصلحیت مطلقه» شاید مخالف سیره قطعی باشد، لذا مراد از «أحسن»، «حسن» است (همان‌طور که در مجمع‌البیان تفسیر شده) و در هر حال، لزوم رعایت مصلحت از آن فهمیده می‌شود و صرف عدم مفسده کافی نیست (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ق، ۱: ۵۸۱).

صاحب جواهر در تبیین نظر مشهور مفسران می‌نویسد: اگر افراد أحسن (از حیث مصلحت برای یتیم) مساوی باشند و در برخی از آنها نفعی برای متصرف باشد، اختیار آن گزینه جایز است، مشروط بر اینکه گزینه أحسن دیگری برای یتیم نباشد (نجفی، بی تا، ۱: ۱۷۱). این نشان می‌دهد محوریت با «احسن بودن» به معنای وجود نفع و مصلحت برای یتیم است. مقدس اردبیلی «التي هي أحسن» را به «فعلی که بهترین کاری است که با مال او انجام می‌شود، بر حسب اقتضای عقل عقلا، مانند حفظ، تعمیر، تنمیه و تثمیر آن، یا بهتر از ترک آن» تفسیر می‌کند و می‌افزاید: «در مجموع، آنچه عقل سلیم آن را نیکو و اولی

از ترکش می‌یابد» (اردبیلی، بی‌تا، ۱: ۳۹۴). تأکید بر «اقتضای عقل عقلا» و «آنچه عقل سلیم نیکو می‌یابد»، گرایش به معیار عقلایی و متعارف را نشان می‌دهد.

استناد به سیره عقلا و متشرعه در مدیریت اموال نیز مؤید این رویکرد است. عقلا در اداره اموال خود و دیگران، معمولاً به دنبال معاملاتی با مصلحت و بازدهی متعارف هستند و کمتر کسی در پی احراز «اصلحیت مطلقه» به معنای دقیق کلمه است، زیرا این امر جریان عادی اقتصادی را مختل می‌کند. اگر شارع معیاری بسیار سخت‌گیرانه‌تر از سیره عقلایی در نظر گرفته بود، انتظار تأکیدات صریح‌تری می‌رفت. اکتفا به «التی هی احسن» که قابل حمل بر «حُسن متعارف و مصلحت عقلایی» است، می‌تواند قرینه پذیرش این رویکرد متعارف توسط شارع باشد، مشروط بر و واقعی بودن مصلحت.

### ۳-۴. حدود و ثغور حُسن متعارف و مصلحت

پذیرش حُسن متعارف و لزوم مصلحت، پرسش از حدود و ثغور آن را مطرح می‌کند. آیا هر منفعت جزئی کافی است، یا مصلحت باید قابل توجه، عقلایی، مشروع و در راستای تأمین منافع و واقعی و همه‌جانبه (مادی و معنوی) و بلندمدت یتیم باشد؟

به نظر می‌رسد مراد از مصلحت، صرف فایده سطحی نیست، بلکه باید از دیدگاه عرف خاص (کارشناسان) و عرف عام (عقلا و خیرخواهان)، به طور و واضح به نفع و واقعی یتیم تشخیص داده شود. امام خمینی بر لزوم ملاحظه مصالح یتیم از «جمع جهات» و نه فقط «جهات مالی» تأکید می‌کند. مثال ایشان در مورد ترجیح مشتری صالح باقیمت اندکی کمتر بر مشتری فاسد باقیمت بالاتر، به دلیل مصالح غیرمادی مانند حفظ آبرو و تربیت نیکوی یتیم، نشان‌دهنده جامعیت و چندبعدی بودن مصلحت مورد نظر است که جنبه‌های تربیتی، اجتماعی و حیثیتی را نیز در بر می‌گیرد (خمینی، ۱۴۲۱ق، ۲: ۷۱۰).

همچنین، در تشخیص مصلحت، منافع بلندمدت یتیم باید مورد توجه قرار گیرد و از تصمیمات شتابزده یا معاملاتی با سود ظاهری کوتاه‌مدت اما مضر در درازمدت، پرهیز شود. صاحب جواهر بر لزوم مراجعه و لّی به «اهل خبره» در تشخیص قیمت عادلانه و شرایط معامله تأکید می‌کند تا تصمیمات مبتنی بر آگاهی بوده و از اهمال منجر به ضمان، دور باشد (نجفی، بی‌تا، ۱: ۱۷۱). این نشان می‌دهد حُسن متعارف و مصلحت باید بر اساس معیارهای کارشناسی، عقلایی، همه‌جانبه و با آینده‌نگری احراز شود.

بنابراین، رویکرد حُسن متعارف و لزوم مصلحت، هرچند انعطاف‌پذیرتر از اصلحیت مطلقه است، اما به معنای مسامحه نیست، بلکه بر احراز مصلحت و واقعی، قابل توجه، عقلایی، مشروع و همه‌جانبه برای یتیم تأکید دارد و متولی را به دقت، آینده‌نگری و مشورت با اهل خبره ملزم می‌سازد.

## ۵. تحلیل رویکرد مبتنی بر «کفایت عدم مفسده»

سومین رویکرد قابل تصور در تفسیر معیار «إِلَّا بِالتَّيِّ هِيَ أَحْسَنُ» برای جواز تصرف در مال یتیم، دیدگاهی است که بر «کفایت عدم مفسده» به عنوان حداقل شرط لازم تأکید دارد. طبق این نگرش، اگر تصرفی هیچ‌گونه ضرر، زیان یا مفسده‌ای (مادی یا معنوی) برای یتیم در پی نداشته باشد، انجام آن جایز است، حتی اگر منفعت خاص و قابل توجهی نیز به ارمغان نیاورد. این رویکرد، به عنوان سهل‌گیرانه‌ترین تفسیر، نیازمند بررسی دقیق مبانی احتمالی، دیدگاه‌های فقهی (عمدتاً در مقام رد) و قلمرو و محدودیت‌های آن است.

### ۱-۵. مبانی احتمالی وادله

یکی از مبانی، استناد به مفهوم مخالف برخی روایات مانند «حسنة کاهلی» است. در این روایت، امام صادق (ع) در پاسخ به سؤالی درباره ورود به خانه ایتام و استفاده از امکاناتشان می‌فرماید: «اگر در و رود شما بر ایشان منفعتی برای آنها باشد، اشکالی ندارد و اگر ضرری در آن باشد، پس نه...» (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۳: ۵۷۶). ممکن است از ذیل روایت «وإن کان فیه ضرر فلا») استنباط شود که اگر ضرری نباشد، حتی بدون منفعت نیز، اقدام بلااشکال است. شیخ انصاری در مکاسب، در توضیح استدلال به این روایت برای کفایت عدم مفسده، این احتمال را مطرح می‌کند که مراد از منفعت و رود، چیزی معادل عوض تصرفات باشد و مراد از ضرر در ذیل، عدم وصول این معادل به یتیم باشد؛ در نتیجه، عدم مفسده برای جواز تصرف کافی است، هرچند نفعی عاید یتیم نشود (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۳: ۵۷۶). هرچند این برداشت توسط خود شیخ تعدیل شده و به پرداخت عوض مساوی تفسیر می‌شود، اما طرح این احتمال، یکی از مبانی ممکن این رویکرد را نشان می‌دهد.

با این حال، استدلال به مفهوم مخالف در این موارد، با چالش‌های اصولی مواجه است. حجیت مفهوم مخالف محل اختلاف است و حتی در صورت پذیرش، شرایط آن (مانند احترازی بودن قید «ضرر» و نه بیان فرد غالب یا تأکید) باید احراز شود. بسیاری از فقها معتقدند ذکر «ضرر» در ذیل روایت کاهلی، برای تأکید بر حرمت اضرار به یتیم است و نمی‌توان از آن، جواز تصرف در صورت عدم ضرر (حتی بدون منفعت) را قطعی استنباط کرد. محقق اصفهانی این برداشت که «عدم ضرر، منفعت است» یا «عدم منفعت، ضرر است» را رد کرده و در صورت عدم اطلاق در دو شرطیه (وجود منفعت و عدم ضرر)، مورد را از موارد سکوت می‌داند (اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ۲: ۴۳۰).

مبنای دیگر برای توجیه «کفایت عدم مفسده» در شرایط خاص، استناد به قاعده اولویت است، به‌ویژه جایی که ترک تصرف، خود مفسده یا ضرر بزرگ‌تری برای یتیم در پی دارد. مثلاً، اگر مال یتیم در شرف تلف باشد (مانند مواد غذایی فاسدشدنی) و تنها راه جلوگیری از نابودی کامل، فروش فوری آن باشد، حتی اگر به قیمتی کمتر از عادلانه (اما نه غبن فاحش) و بدون منفعت خاصی صورت گیرد، چنین تصرفی به دلیل دفع مفسده بزرگ‌تر (تلف کامل مال)، جایز و حتی لازم است. در این حالت، «عدم مفسده» ناشی از انجام تصرف (در مقایسه با مفسده ترک آن) ملاک جواز قرار می‌گیرد. هرچند این مورد



بیشتر ناظر به شرایط اضطراری و قاعده «دفع افسد به فاسد» است و نمی‌تواند قاعده عمومی باشد، اما نشان می‌دهد در برخی موارد، تمرکز بر «دفع مفسده» اولویت می‌یابد.

## ۲-۵. دیدگاه‌های فقهی و نقد و بررسی آن‌ها

رویکرد «کفایت صرف عدم مفسده» به‌عنوان قاعده عمومی، طرف‌داران چندانی در میان فقهای امامیه ندارد و غالباً در مقام نقد مطرح شده است. چنان‌که اشاره شد، شیخ انصاری هرچند احتمال برداشت کفایت عدم مفسده از روایت کاهلی را مطرح می‌کند، اما آن را به موردی تفسیر می‌کند که حداقل عوض مساوی پرداخت شود که این خود نوعی «عدم ضرر» به معنای خاص است، نه صرفاً «عدم مفسده» بدون هرگونه منفعتی (انصاری، ۱۴۱۵ق، ۳: ۵۷۶).

محقق اصفهانی صراحتاً کفایت مجرد «خلو از مفسده» در جواز تصرف در مال غیر (از جمله یتیم) را کافی نمی‌داند، مگر آنکه و لایقی بر تصرف باشد یا مصلحتی در کار باشد که مفسده احتمالی تصرف بدون اذن را جبران کند. ایشان می‌گوید: «تصرف در مال غیر بدون اذن و رضای او، فی‌نفسه دارای مفسده است. پس باید یا و لایت بر تصرف باشد... یا مصلحتی در تصرف باشد... تا مفسده تصرف بدون ملکیت و ولایت را جبران کند. پس صرف خلوآن از مفسده عائده به یتیم - باوجود مفسده اصل تصرف در مال غیر - برای جواز تصرف از غیر و لی کافی نیست» (اصفهانی، ۱۴۱۸ق، ۲: ۴۲۹). این بیان نشان می‌دهد صرف عدم ورود ضرر مستقیم به مال یتیم کافی نیست، بلکه باید و لایت مشروع یا مصلحتی توجیه‌گر وجود داشته باشد.

آیت‌الله مکارم شیرازی نیز پس از تفسیر «أحسن» به «الحسن»، بر «لزوم رعایت مصلحت» تأکید کرده و تصریح می‌کند که «صرف عدم مفسده کافی نیست» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ق، ۱: ۵۸۱).

بنابراین، عموم فقها با استناد به ظهور آیه در لزوم نوعی «حُسن» و «بهتری» و اهمیت حفظ و رشد اموال یتیم، این رویکرد را به‌عنوان قاعده عمومی نپذیرفته‌اند و نقدهای جدی و وارد کرده‌اند. از جمله اینکه «أحسن» و حتی «حسن»، ظهور در مزیت، نیکویی یا مصلحت دارد و صرف «عدم مفسده» با این ظهور سازگار نیست.

دیگر آنکه هدف شارع تنها جلوگیری از ضرر نیست، بلکه رشد و بهبود و وضعیت مالی یتیم نیز مدنظر است. اکتفا به عدم مفسده، به رکود اموال یتیم می‌انجامد.

اشکال دیگر آنکه اگر صرف عدم مفسده کافی باشد، راه برای تصرفات غیرضروری و بدون بازده در مال یتیم باز می‌شود که با روح احتیاط در اموال ایتام سازگار نیست.

### ۳-۵. قلمرو و محدودیت‌های این رویکرد

رویکرد «کفایت صرف عدم مفسده» نمی‌تواند قاعده عمومی باشد. باین‌حال، در برخی شرایط خاص و محدود، می‌تواند ضابطه حداقلی و اضطراری باشد:

چنان‌که در ۵.۱.۲ اشاره شد، در شرایطی که ترک تصرف، منجر به ضرر قطعی و بزرگ‌تری برای یتیم می‌شود (مانند فروش مال در شرف نابودی کامل)، انجام آن برای دفع مفسده اهم، جایز و حتی لازم است، حتی اگر منفعت جدیدی نداشته باشد. مورد دیگر، در تصرفات بسیار جزئی و کم‌اهمیت که تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر اصل مال ندارند و صرفاً برای رفع نیاز آنی و ضروری (نه حیاتی) انجام می‌شوند، به شرط عدم هرگونه مفسده، تسامح بیشتری روا باشد. اما این نیز باید با احتیاط فراوان صورت گیرد.

مورد دیگر در شرایط بسیار نادر که امکان تشخیص مصلحت یا اصلحیت نیست و انجام تصرف برای حفظ و وضع موجود یا جلوگیری از ضرر احتمالی (هرچند غیرقطعی) ضروری به نظر می‌رسد، ممکن است «عدم مفسده قطعی» معیار حداقلی باشد. اما این فرض نیز بسیار نادر و نیازمند بررسی دقیق مصادیق است.

در نهایت، حتی در این موارد محدود، رعایت احتیاط و تلاش برای تأمین هرچه بیشتر منافع یتیم، همواره اصل راهنماست و «کفایت عدم مفسده» نباید بهانه‌ای برای سهل‌انگاری در رشد اموال یتیم گردد.

### ۶. امکان سنجی نظریه ترکیبی یا تفصیلی و ارائه نظریه مختار

باتوجه به نقاط قوت و ضعف هر یک از رویکردهای مطلق، ارائه یک نظریه ترکیبی یا تفصیلی که بتواند جامعیت بیشتری داشته باشد، ضروری به نظر می‌رسد. می‌توان بر اساس نوع تصرف (حفظ، استنماء، یا مصرف)، شرایط یتیم (سن، میزان دارایی) و وضعیت ولی (پدر و جد یا وصی و قیم) (نراقی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۵۵۷)، قائل به تفصیل شد.

با این حال، نظریه مختار که از اتقان و جامعیت بیشتری برخوردار است و تعادل بهتری بین الزامات شرعی، امکان عملی و مقاصد شارع برقرار می‌کند، رویکردی است که «حُسن متعارف و لزوم احراز مصلحت و واقعی و همه‌جانبه یتیم» را محور قرار می‌دهد. این نظریه مبتنی بر دلایل زیر است:

نخست آنکه حمل «أحسن» بر معنای «حَسَن» (به معنای نیکوی دارای مصلحت) یا «کمال و صف»، با استعمالات لغوی و قرآنی و همچنین با سیره عقلا و متشرعه در مدیریت اموال سازگارتر است و از اشکالات عملی و نظری رویکرد «اصلحیت مطلقه» به دور است.

دیگر آنکه لزوم احراز «مصلحت و واقعی و همه‌جانبه» - که شامل جوانب مادی، معنوی، تربیتی و اجتماعی می‌شود (خیمینی، ۱۴۲۱ق، ۲: ۷۱۰) - هم هدف «حفظ» مال یتیم از تضییع را تأمین می‌کند و هم امکان «رشد و تنمیه» آن را در

چارچوبی معقول و عملی فراهم می‌آورد. این امر با تأکید قرآن بر «إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ» در امور یتیم (بقره: ۲۲۰) نیز کاملاً سازگار است.

دلیل دیگر آنکه این رویکرد، برخلاف «اصلحیت مطلقه»، در مقام عمل با چالش عدم امکان احراز مواجه نیست و از رکود اموال جلوگیری می‌کند. همچنین، برخلاف «کفایت عدم مفسده»، از اهمال و بی‌توجهی به رشد و نمو اموال یتیم ممانعت به عمل می‌آورد.

دیگر آنکه پذیرش «حُسن متعارف و مصلحت و واقعی» به معنای جواز هرگونه تصرف دلخواه و بدون بررسی نیست. بلکه ولی یا متصرف را ملزم می‌کند که بادقت نظر، بررسی کارشناسی و در صورت لزوم، با مشورت و استعانت از اهل خبره و افراد متخصص (نجفی، بی تا، ۱: ۱۷۱) اقدام نماید و همواره جانب احتیاط را در حفظ و تأمین منافع یتیم رعایت کند.

بنابراین، معیار «التی هی احسن» در آیه شریفه، به لزوم انجام تصرفی تفسیر می‌شود که متضمن «مصلحت و واقعی، عقلایی، مشروع و همه‌جانبه» برای یتیم باشد. این مصلحت باید با در نظر گرفتن تمامی شرایط و باهدف تأمین بهترین نتیجه ممکن در چارچوب امکانات، محدودیت‌ها و فرصت‌های موجود، احراز گردد. در مواردی که گزینه‌های متعددی با درجه‌ای از مصلحت وجود دارد، انتخاب گزینه‌ای که منفعت بیشتر و ریسک کمتری برای یتیم دارد، اولویت خواهد داشت، اما این امر نباید به معنای وسواس و احتیاط بیش از حدی باشد که منجر به توقف در تصمیم‌گیری و ازدست‌دادن فرصت‌های متعارف و معقول گردد. همچنین، در شرایط اضطراری و برای دفع ضرر قطعی و قریب‌الوقوع، قاعده اهم و مهم و «دفع افسد به فاسد» حاکم خواهد بود و ممکن است تصرفی که صرفاً جلوی ضرر بزرگ‌تری را می‌گیرد، مصداق «التی هی احسن» در آن شرایط خاص تلقی شود.

## ۷. پیامدهای فقهی و حقوقی نظریه مختار

اتخاذ نظریه «حُسن متعارف و مصلحت و واقعی و همه‌جانبه یتیم» به‌عنوان تفسیر معیار «التی هی احسن»، پیامدهای عملی بنیادینی در نظام فقهی و حقوقی اداره اموال ایتام به دنبال دارد. این پیامدها، حدود اختیارات و مسئولیت‌های متولیان امور یتیم، کیفیت نظارت قضایی، چگونگی تضمین حقوق یتیم و صحت معاملات مرتبط با اموال او را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نخستین پیامد، تعریف دقیق‌تر حدود اختیارات و مسئولیت‌های ولی، وصی، یا قیم است. این نظریه، متولی را از یک سو مکلف به احراز «مصلحت و واقعی و همه‌جانبه» یتیم (شامل جوانب مادی، معنوی، تربیتی و اجتماعی) (خمینی، ۱۴۲۱ق، ۲: ۷۱۰) و در صورت لزوم، مشورت با اهل خبره (نجفی، بی تا، ۱: ۱۷۱) می‌سازد و از سوی دیگر، با پرهیز از الزام به «اصلحیت مطلقه»، دامنه اختیارات مشروع او را در انجام تصرفات متعارف و مصلحت‌آمیز گسترش می‌دهد. این امر، ضمن افزایش مسئولیت در تشخیص و اجرای مصلحت، امکان مدیریت فعال و پویای اموال یتیم را بدون گرفتار شدن در وسواس یافتن بهترین گزینه مطلق، فراهم می‌آورد. البته، این اختیارات با مسئولیت همراه است و در صورت تقصیر یا تعدی و ورود ضرر

به یتیم، متولی ضامن خواهد بود، هرچند در صورت اقدام صحیح و بدون تفریط، خسارات احتمالی بر عهده مال یتیم است (نراقی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۵۵۸).

دومین پیامد، ارائه مبنایی واقع‌بینانه‌تر برای نظارت قضایی است. تمرکز نظارت از بررسی صرف «عدم ضرر» یا احراز دشوار «اصلحیت مطلقه»، به ارزیابی رعایت «مصلحت و واقعی و همه‌جانبه یتیم» در چارچوب «حُسن متعارف» تغییر می‌یابد. این امر، به مرجع قضایی امکان می‌دهد تا در صورت عدم رعایت این معیار توسط متولی، با استناد به تخلف از «التي هي أحسن»، در تصمیمات او مداخله نموده، او را به اقدامات مصلحت‌آمیز الزام کند، یا حتی در موارد لزوم، نسبت به عزل و نصب فردی صالح‌تر اقدام نماید، چنان‌که در فقه و روایات بر نصب «رجل ثقة» یا «القیّم الناظر لهم فیما یصلحهم» تأکید شده است (نراقی، ۱۴۱۷ق، ۱: ۵۵۷-۵۵۸). نقش کارشناسان نیز در این ارزیابی قضایی پررنگ‌تر خواهد شد.

سومین پیامد، تضمین مؤثرتر حقوق مادی و معنوی یتیم است. این نظریه، متولی را نه تنها به «حفظ» اصل مال، بلکه به تلاش فعال برای «رشد و تنمیه» آن در چارچوب مصلحت (اردبیلی، بی تا، ۱: ۳۹۴) تشویق و مکلف می‌سازد. همچنین، با تأکید بر «مصلحت همه‌جانبه»، ابعاد غیرمادی مانند تربیت، حیثیت و رشد اجتماعی یتیم نیز در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ می‌شود (خمینی، ۱۴۲۱ق، ۲: ۷۱۰) که این امر به تضمین همه‌جانبه حقوق او کمک شایانی می‌کند.

چهارمین پیامد، تأثیر مستقیم بر صحت و نفوذ قراردادها و معاملاتی است که نسبت به اموال یتیم انجام می‌شود. هر معامله‌ای برای صحت و نفوذ، باید متضمن «مصلحت و واقعی و همه‌جانبه» یتیم و برخوردار از «حُسن متعارف» باشد. در غیر این صورت، بسته به میزان تخلف از این معیار و ورود ضرر به یتیم، معامله می‌تواند فضولی یا حتی باطل تلقی شود (باتوجه به مباحث مطرح در کتاب البیع امام خمینی در مورد آثار نهی، ۱۴۲۱ق، ۲: ۷۰۳-۷۱۱). این امر، ضمن حفاظت از اموال یتیم، مبنایی برای ارزیابی قضایی معاملات و در صورت لزوم، تنفیذ یا ابطال آن‌ها فراهم می‌آورد و درعین حال، با ارائه یک معیار عقلایی، می‌تواند به ایجاد تعادل بین حفظ حقوق یتیم و ثبات نسبی معاملات کمک کند.

در نتیجه، نظریه مختار با تأکید بر «حُسن متعارف و مصلحت و واقعی و همه‌جانبه یتیم»، نظامی کارآمد، مسئولانه و واقع‌بینانه برای اداره اموال ایتام ارائه می‌دهد که هم منافع مادی و معنوی آنان را به بهترین شکل ممکن در چارچوب عملی تأمین می‌کند و هم از ایجاد حرج و مشقت غیرضروری بر متولیان امور ایشان و رکود اموال جلوگیری به عمل می‌آورد.

## ۸. نتیجه‌گیری

این پژوهش باهدف تبیین معیار فقهی دقیق برای تفسیر و تطبیق عبارت قرآنی «التي هي أحسن» در تصرفات مالی یتیم و ارزیابی انتقادی رویکردهای سه‌گانه «اصلحیت مطلقه»، «حُسن متعارف (و وجود مصلحت)» و «کفایت عدم مفسده» به انجام رسید. یافته‌های حاصل از تحلیل مبانی، ادله و چالش‌های هر یک از این رویکردها نشان می‌دهد که از میان آن‌ها، رویکرد مبتنی بر «حُسن متعارف و لزوم احراز مصلحت و واقعی و همه‌جانبه یتیم»، از اتقان، جامعیت و قابلیت انطباق بیشتری

با مقتضیات عملی و مقاصد شارع برخوردار است.

مهم‌ترین مبانی و دلایل ارجحیت این نظریه مختار عبارت‌اند از: ارائه تفسیری معقول و متعارف از واژه «أحسن» به معنای «حَسَن» (نیکوی دارای مصلحت) یا «کمال و صف» که با استعمالات رایج لغوی و قرآنی و همچنین سیره عقلایی و متشرعه در مدیریت اموال سازگاری بیشتری دارد؛ توانایی تأمین هم‌زمان مقاصد بنیادین شارع در «حفظ» و «تنمیه» اموال یتیم از طریق الزام به احراز «مصلحت و واقعی و همه‌جانبه» (شامل جوانب مادی، معنوی، تربیتی و اجتماعی)؛ پاسخگویی مؤثر به چالش‌های عملی و نظری رویکرد «اصلحیت مطلقه» و جلوگیری از رکود احتمالی اموال و همچنین پرهیز از پیامدهای منفی رویکرد «کفایت عدم مفسده» که ممکن است به اهمال در رشد و بهبود وضعیت مالی یتیم منجر شود؛ و نهایتاً، تأکید بر لزوم دقت، بررسی کارشناسی و در صورت نیاز، مشورت با اهل‌خبره در فرایند احراز مصلحت و رعایت مستمر جانب احتیاط در تمامی تصمیمات و اقدامات.

تحقیقات این مقاله آشکار ساخت که التزام به «اصلحیت مطلقه»، به دلیل صعوبت یا حتی عدم امکان احراز آن در بسیاری از موارد و واقعی، می‌تواند به نحو قابل توجهی مدیریت کارآمد اموال یتیم را با کندی و توقف مواجه سازد. از سوی دیگر، اکتفا به «صرف عدم مفسده» نیز با ظهور واژه «أحسن» در آیه شریفه و همچنین با مقاصد عالی‌تر شارع در رشد و بهبود وضعیت مالی و معنوی یتیم، سازگاری کاملی ندارد. نظریه مختار، با قراردادن «مصلحت و واقعی و همه‌جانبه یتیم» به‌عنوان محور اصلی، ضمن تأکید بر لزوم وجود منفعت و حُسن متعارف در تصرفات، از افراط در سخت‌گیری و تفریط در مسامحه جلوگیری کرده و چارچوبی عملی، متوازن و درعین‌حال مسئولانه برای متولیان امور یتیم ارائه می‌دهد.

پیامدهای کلیدی پذیرش این نظریه در عرصه‌های فقهی و حقوقی شامل تعریف دقیق‌تر و واقع‌بینانه‌تر حدود اختیارات و مسئولیت‌های ولی و وصی یا قیم، ارائه مبنایی شفاف‌تر و کارآمدتر برای اعمال نظارت قضایی، تضمین مؤثرتر و همه‌جانبه‌تر حقوق مادی و معنوی یتیم و همچنین تأثیر مستقیم بر ضوابط صحت و نفوذ قراردادها و معاملاتی است که نسبت به اموال او منعقد می‌گردد.

از نوآوری‌های این تحقیق می‌توان به تحلیل تطبیقی و نظام‌مند سه رویکرد اصلی از دل متون فقهی متنوع و ارائه یک چارچوب منسجم برای نظریه مختار با تأکید بر مفهوم «مصلحت همه‌جانبه» و قابلیت اجرای آن اشاره کرد. با این وجود، پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی نیز، از جمله تمرکز بر گستره مشخصی از منابع، مواجه بوده است. از این رو، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، مصادیق عملی و چالش‌های نوپدید در مدیریت اموال ایتام در دوران معاصر، به‌ویژه در حوزه سرمایه‌گذاری‌های نوین مالی و با توجه به پیچیدگی‌های اقتصادی جدید، با تکیه بر مبانی نظریه مختار مورد بررسی و تحلیل دقیق‌تر قرار گیرد. همچنین، مطالعه تطبیقی مبانی این نظریه در حقوق موضوعه کشورهای اسلامی و چگونگی تطبیق و اجرای آن در رویه قضایی محاکم، می‌تواند زمینه را برای تحقیقات تکمیلی و کاربردی فراهم آورد.

## فہرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. اردبیلی، احمد بن محمد. بی تا. مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذہان. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم.
۳. اصفہانی، محمدحسین. ۱۴۱۸ق. حاشیہ کتاب المکاسب. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم.
۴. انصاری، مرتضی. ۱۴۱۵ق. کتاب المکاسب. قم: کنگرہ جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۵. بحرانی، یوسف بن احمد. ۱۴۰۵ق. الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم.
۶. خمینی، روح اللہ. ۱۴۲۱ق. کتاب البیع. قم: مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۷. قمی، سید تقی طباطبائی. ۱۴۰۰ق. درساتنا من الفقہ الجعفری، قم: مطبوعہ الخیام.
۸. کاشف الغطاء، عباس بن حسن بن جعفر. (بی تا). الفوائد الجعفریة، مؤسسہ کاشف الغطاء.
۹. لاری، میرزا ہاشم آملی. ۱۴۱۸ق. بدائع الأفكار. قم: مؤسسہ نشر اسلامی.
۱۰. مراغی، میر فتح. ۱۴۱۷ق. العناوین الفقہیة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۴۲۲ق. أنوار الفقاهة؛ کتاب التجارة. قم: مدرسة الامام علی بن أبی طالب (ع).
۱۲. نجفی، محمدحسن. بی تا. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۳. نراقی، احمد. ۱۴۱۷ق. مستند الشیعة فی أحكام الشریعة. قم: مؤسسہ آل البيت علیہم السلام لإحياء التراث.
۱۴. طوسی، محمد بن الحسن. ۱۴۱۴ق. الأملی. قم: دار الثقافة.